

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای کاربردی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه دکترا
رشته پژوهش هنر

موضوع

تحلیل کارکردهای فرهنگی - هنری عکاسی در ایران
(پنجاه سال اخیر)

استاد راهنما

آقای دکتر کامران افشار مهاجر

استاد مشاور

آقای دکتر سیروس یگانه

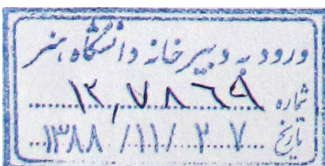
استاد مشاور

آقای دکتر محمد ستاری

نگارش و تمقیق

محمد خدادادی مترجم زاده

بهمن ۱۳۸۸





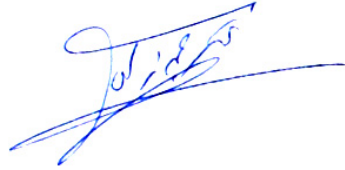
تعهد نامه

اینجانب شیخ نورالدین کریم زاده اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته ها، کتب، پایان نامه ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر مأخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است. بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوولیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

تاریخ

۱۳۰۳-۱۹

امضاء



چکیده

در این پژوهش، پس از ذکر مقدمات لازم برای ورود به بحث اصلی، تعریفی مختصر از فرهنگ، هنر و کارکرد اجتماعی آن‌ها به عنوان کلیدهای اصلی پژوهش ارائه می‌شود. سپس به‌طور مبسوط، به شرح و تحلیل نقش‌های اجتماعی عکس و عکاسی در بازه‌ی زمانی دوره‌ی مورد نظر - از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۸۰ - پرداخته می‌شود. محورهای اصلی پژوهش عبارتند از: "فرهنگ و هنر، شغل، تغییرات اجتماعی، مطبوعات، هنر و سلیقه‌ی عامه". در نهایت، بر اساس آورده‌ها و استنتاج‌های مطرح در هر فصل، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- عکاسی در مصوبه‌های رسمی سال‌های دهه‌ی ۱۳۴۰ وزارت فرهنگ و هنر حضور می‌یابد، اما تا سال‌های میانی دهه‌ی ۱۳۵۰ جلوه‌ی جامعه‌شمول هنری به‌خود نمی‌گیرد.
- عکاسی به‌مثابه‌ی شغل از قدمت و ارزش مطلوبی در جامعه برخوردار است و در دوره‌ی مطرح متأثر از ضرورت‌های اجتماعی، تغییرات و شاخه‌های مختلفی را تجربه کرده است. اما از دیدگاه رسمی و متعارف در جامعه، مگر در سال‌های دهه‌ی ۱۳۷۰، به‌عنوان شغل هنری مطرح نبوده است.
- در جریان تغییرات سریع اجتماعی دوره‌ی مورد نظر، عکاسی همان نقش سنتی عکاسی مطبوعاتی و استناد را در جامعه‌ی ایرانی برعهده داشته و در تغییرات آرام اجتماعی، در سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰ به نهادینگی امر تجدد اشتغال داشت؛ و در سال‌های دهه‌ی ۱۳۷۰، دغدغه‌های هنری خود را از نو آغاز کرد.
- نقش‌آفرینی گونه‌های مختلف عکاسی در همراهی با جراید در دوره‌ی مورد نظر، دارای اهمیت کمی و کیفی بسیار است، و جراید نیز در فرهنگ‌سازی و ترویج عکاسی به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بسیار مؤثر عمل نموده‌اند.
- هنریت عکاسی در شکل جامعه‌شمول خود در ایران در سال‌های میانی دهه‌ی ۱۳۵۰، محقق شد؛ و بی‌درنگ، این هنر توانست جایگاه "هنر مدرن با ویژگی ایرانی" را احراز کند. اما تجربه‌ی عکاسی مدرن ایرانی نتوانست در تمام مقوله‌های عکاسی مدرن، به تجربه‌ی کاملی دست یابد.
- سلیقه‌ی عامه (شهروندان عکاس)، به‌ویژه در سال‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ توانست به‌شکلی نسبی، خواسته‌ی خود را به هنرمندان عکاس - لاقلاً در حوزه‌ی ابزار و خدمات عکاسی - تحمیل کند.

کلیدواژه‌ها: عکاسی، هنر، مطبوعات، فرهنگ، مدرن، مردم.

تشکر و قدردانی

اساتید محترمی که مسئولیت مستقیم راهنمایی پژوهشگر را برعهده داشتند. در تمام مراحل تحقیق، از انجام هرگونه مساعدت و راهنمایی، فروگذار نکرده و پژوهشگر را مرهون محبت‌های خویش ساختند.

جناب آقای دکتر کامران افشار مهاجر، استاد راهنمای محترم پژوهش.

جناب آقای دکتر سیروس یگانه، استاد مشاور محترم پژوهش.

جناب آقای دکتر محمد ستاری، استاد مشاور محترم پژوهش.

و با قدرشناسی از:

جناب آقای دکتر عباسعلی ایزدی، ریاست محترم دانشگاه هنر.

جناب آقای دکتر صمد سامانیان، ریاست محترم شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر.

جناب آقای دکتر محمد تقی آشوری، ریاست محترم گروه آموزشی دکترای پژوهش هنر، دانشگاه هنر.

اساتید محترم دوره‌ی دکترای پژوهش هنر:

جناب آقای دکتر سیروس یگانه. جناب آقای دکتر محمد تقی آشوری. جناب آقای دکتر سعید زاویه.

جناب آقای دکتر علی رامین. جناب آقای دکتر محمد ضیمران. جناب آقای دکتر فرزانه سجودی.

جناب آقای مهدی حسینی، استاد درس ویژه‌ی اول.

جناب آقای دکتر محمد ستاری، استاد درس ویژه‌ی دوم.

و

همکاران ارجمند در گروه عکاسی، دانشکده‌ی هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر:

جناب آقای دکتر جواد سلیمی، ریاست محترم گروه آموزشی عکاسی. جناب آقای محمد خادمیان.

سرکار خانم پروین طاعی. جناب آقای رضا نبوی. جناب آقای فرهاد سلیمانی. جناب آقای محمد

مهدی رحیمیان. سرکار خانم الهه دولتی. جناب آقای سروش کیایی. جناب آقای داود دلیریان. جناب آقای عمران نیکزاد. سرکار خانم ناهید شهرکی. جناب آقای فرهاد سعیدی.

و

سرکار خانم شوشه ریز، ریاست محترم کتابخانه‌ی دانشگاه هنر، و همکاران ارجمند در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه هنر.

و

همکاران محترم در پردیس باغ ملی:

سرکار خانم امرالهی و همکاران محترم در واحد نظارت و ارزیابی.

جناب آقای نجفی، ریاست محترم اداره‌ی آموزش کل دانشگاه هنر.

سرکار خانم ممقانی. سرکار خانم اشراقی. سرکار خانم صالحی.

و

همراهان دیگر:

جناب آقای دکتر هادی شفائیه. جناب آقای مهندس تورج حمیدیان. (مرحوم) جناب آقای بهمن

جلالی. جناب آقای حسین چنعانی. جناب آقای رضا عابدی. جناب آقای دکتر رضا شیخ. جناب آقای

افشین شاهرودی. جناب آقای رامیار منوچهرزاده. جناب آقای حمیدرضا نوروزی طلب. سرکار خانم

کتایون قدس راد. جناب آقای احمد مؤمنی. جناب آقای غلامرضا شریفی، و همکاران محترم در

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. جناب آقای حسن خوبدل. جناب آقای شمال مرتضایی.

سرکار خانم ملیحه رجبیون.

و

در آخر، برای بیشترین حمایت‌ها و همراهی‌های بی‌دریغ استاد محترم، جناب آقای رضا

نبوی در مراحل تکوین این پژوهش‌نامه، سپاس ویژه‌ی خود را خدمت آن بزرگوار تقدیم

می‌کنم.

امیدوارم، ارزش و اعتبار این جُستار بتواند به بخشی از صبوری و همراهی بی دریغِ همسر، فرزندان و مادرم، پاسخ گوید.

محمد خدادادی مترجم زاده

زمستان ۱۳۸۸

فهرست مطالب

۱ - مقدمه (هدف و ضرورت)..... ۱

مداخل

۷ - روش تحقیق..... ۷

۷ - روش‌های گردآوری اطلاعات..... ۷

۹ - مراکز مورد مراجعه..... ۹

۹ - دشواری‌ها و کمبودهای تحقیق..... ۹

۱۱ - پیشینه‌ی تحقیق..... ۱۱

۱۸ - درباره‌ی ساختار متن..... ۱۸

۲۰ - در باره‌ی فرهنگ - هنر و کارکرد آن..... ۲۰

۲۴ - در باره‌ی کارکرد فرهنگی - هنری..... ۲۴

۲۶ - پی‌نوشت‌ها..... ۲۶

فصل اول، "فرهنگ و هنر" و عکاسی

۱ . ۱ - مقدمه..... ۲۸

۲ . ۱ - مصوبه‌ها و دستورالعمل‌ها..... ۲۸

۳ . ۱ - ارزیابی فصل..... ۳۵

- شکل‌های پیوست..... ۳۶

- پی‌نوشت‌ها..... ۴۲

فصل دوم، عکاسی به مثابه‌ی شغل

۱ . ۲ - پیشینه..... ۴۵

۲ . ۲ - اتحادیه‌ی عکاسان و گونه‌های جدید شغل..... ۴۶

۳ . ۲ - شغل عکاسی از نگاه دولت..... ۴۹

۴ . ۲ - ارزیابی فصل..... ۵۲

- شکل‌های پیوست..... ۵۴

- پی‌نوشت‌ها..... ۶۲

فصل سوم، تغییرات اجتماعی و عکاسی

۶۵	۳. ۱- پیش درآمد
۶۶	۳. ۲- تغییرات سریع، تغییرات آرام و عکاسی
۶۷	۳. ۳- پیشینه‌ی تغییرات
۶۹	۳. ۴- آغاز تغییرات معاصر
۷۳	۳. ۵- تغییری دیگر در مسیر تغییرات
۷۴	۳. ۶- وقوع انقلاب اسلامی و متغیرهای متضاد هنری
۷۵	۳. ۷- آغاز تغییرات آرام، عکاسی هنری در میانه‌ی جنگ
۷۷	۳. ۸- ارزیابی فصل
۷۸	- شکل‌های پیوست
۸۴	- پی‌نوشت‌ها

فصل چهارم، عکاسی و مطبوعات

۸۷	۴. ۱- نقش عکاسی یا عکس در مطبوعات
۸۹	۴. ۲- نقش مطبوعات در ترویج - فرهنگ - عکاسی
۹۱	۴. ۲. ۱- ظهور یک استثناء
۹۳	۴. ۲. ۲- چاپ مطالب نقدگونه در باره‌ی عکاسی
۹۵	۴. ۲. ۳- شروع به انتشار مجله‌های خاص عکس و عکاسی
۹۸	۴. ۳- ارزیابی فصل
۱۰۰	- شکل‌های پیوست
۱۰۵	- پی‌نوشت‌ها

فصل پنجم، عکاسی به مثابه‌ی هنر

۱۰۸	۵. ۱- نقل و نقد یک عقیده
۱۰۸	۵. ۲- پیشینه
۱۱۰	۵. ۳- ملاکی برای سنجش
۱۱۲	۵. ۴- سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰
۱۱۴	۵. ۵- تلاش‌های دیگر در سال‌های پس از ۱۳۴۰
۱۱۴	۵. ۵. ۱- آغاز یک حرکت هنری

۱۱۵ ۲ . ۵ . ۵ - پدیداری یک نهاد غیر دولتی اعطای شأن
۱۱۵ ۳ . ۵ . ۵ - رد پای اعصار، گامی دیگر
۱۱۶ ۴ . ۵ . ۵ - کاخ ایض، نهادی دیگر
۱۱۷ ۵ . ۵ . ۵ - نقد عکس، آغاز فعالیت نهاد دیگری برای اعطای شأن
۱۱۹ ۶ . ۵ - گونه‌هایی از پدیداری رفتار مدرن (عکس - نقد)
۱۲۲ ۷ . ۵ - عکاسی مدرن در ایران
۱۲۳ ۱ . ۷ . ۵ - نمونه‌ی نقد مدرن عکاسی
۱۲۵ ۸ . ۵ - انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق
۱۲۷ ۹ . ۵ - آیا عکاسی، هنری تجسمی، نمایشی، کاربردی یا تکمیلی است؟
۱۲۸ ۱۰ . ۵ - نهادهای مؤثر و عدم تداوم بحث نیمه تمام عکاسی مدرن از سال‌های ۱۳۵۶
۱۲۹ ۱ . ۱۰ . ۵ - نهاد موزه هنرهای معاصر تهران
۱۳۳ ۲ . ۱۰ . ۵ - نهاد دانشگاه
۱۳۷ ۳ . ۱۰ . ۵ - نهاد انتشارات
۱۴۰ ۱۱ . ۵ - ارزیابی فصل
۱۴۱ - شکل‌های پیوست
۱۵۲ - پی‌نوشت‌ها

فصل ششم، عکاسی و مردم (مردم به مثابه‌ی شهروندان عکاس)

۱۶۱ ۱ . ۶ - پیش‌درآمد
۱۶۳ ۲ . ۶ - فرضیه‌هایی برای تبیین عکاسی مردمی
۱۶۳ ۱ . ۲ . ۶ - عکاسی و الگوی ساعت فراغت
۱۶۵ ۲ . ۲ . ۶ - عکاسی و الگوی سنتی حفظ و ارزش تصویر
۱۶۶ ۳ . ۲ . ۶ - الگوهای مورد تقلید در عکاسی عامه‌پسند
۱۶۷ ۳ . ۶ - تولید انبوه ابزار
۱۶۸ ۴ . ۶ - تأثیر سلیقه‌ی مردم بر جریان عکاسی معاصر در ایران
۱۶۹ ۱ . ۴ . ۶ - قدرت ناپیدای سلیقه‌ی عامه در جهت‌دهی و ترویج نگرش خاص
۱۷۱ ۱ . ۴ . ۶ - بازخوانی یک خاطره
۱۷۳ ۲ . ۴ . ۶ - تعیین جهت‌های تولید ابزار و مواد عکاسی بر اساس سلیقه‌ی عامه
۱۷۳ ۵ . ۶ - تأثیر نسبی نهاد عامه بر بازار عکاسی ایران

۱۷۴ فصل ۶-۶- ارزیابی
۱۷۶ شکل‌های پیوست
۱۷۸ پی‌نوشت‌ها

نتیجه‌گیری

۱۸۲ پاسخ به پرسش‌ها
۱۸۳ سخن آخر
۱۸۷ فهرست منابع
۱۹۳ چکیده‌ی انگلیسی

فهرست شکل‌ها

- شکل (۱)، سند صدمین سالگرد تأسیس وزارت فرهنگ ۳۶
- شکل (۲)، سند آیین‌نامه‌ی فیلم‌برداری، نقاشی و عکاسی در سال ۱۳۱۷ ۳۷ و ۳۸ و ۳۹
- شکل (۳)، سند تأسیس اداره کل هنرهای زیبای کشور در سال ۱۳۲۹ ۴۰ و ۴۱
- شکل (۴)، عکس اولین هیئت مدیره اتحادیه عکاسان تهران، ۱۳۳۰ ۵۴
- شکل (۵)، سند صورت جلسه‌ی اولین انتخابات اتحادیه عکاسان، ۱۳۳۰ ۵۵
- شکل (۶)، سند گواهی ثبت اتحادیه عکاسان تهران، ۱۳۳۱ ۵۶
- شکل (۷)، سند ضوابط اشتغال عکاسی برای کسب پروانه ۵۷
- شکل (۸)، سند تغییر نام اتحادیه عکاسان در سال ۱۳۳۳ ۵۸
- شکل (۹)، سند آیین‌نامه‌ی اتحادیه عکاسان در سال ۱۳۳۲ ۵۹ و ۶۰ و ۶۱
- شکل (۱۰)، تبلیغ تجاری سازمان عکاسی هادی، سال ۱۳۴۹ ۶۱
- شکل (۱۱)، عکس ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۷۸
- شکل (۱۲)، عکس ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۷۸
- شکل (۱۳)، کلاس درس دانشگاه سیراکیوز در تهران، سال ۱۳۳۲ ۷۹
- شکل (۱۴)، دوره‌ی آموزشی دانشگاه سیراکیوز در تهران، سال ۱۳۳۲ ۷۹
- شکل (۱۵)، تبلیغات تجاری لوازم عکاسی در روزنامه‌ها، سال ۱۳۳۸ ۸۰
- شکل (۱۶)، نمایشگاه عکس شهدا در سال ۱۳۵۷ ۸۱
- شکل (۱۷)، پوستر عکس "سرباز زن" مربوط به سال ۱۳۵۷ ۸۲
- شکل (۱۸)، پوستر عکس "بیعت همافران با امام (ره)" مربوط به سال ۱۳۵۷ ۸۳
- شکل (۱۹)، مجله‌ی اطلاعات هفتگی سال ۱۳۳۸ ۱۰۰
- شکل (۲۰)، مجله‌ی اطلاعات هفتگی سال ۱۳۳۸ ۱۰۱
- شکل (۲۱)، مجله‌نگین و عکس شفائیه سال ۱۳۳۵ ۱۰۲
- شکل (۲۲)، عکس شفائیه در مجله‌ی نگین سال ۱۳۳۵ ۱۰۳
- شکل (۲۳)، نوشته و عکس شفائیه مجله‌ی نگین سال ۱۳۳۵ ۱۰۴
- شکل (۲۴)، نمونه امضای شفائیه پای عکس‌ها ۱۴۱
- شکل (۲۵)، نمونه‌ی چاپ شده‌ی عکس امضادار شفائیه، سال ۱۳۳۷ ۱۴۱

- شکل (۲۶)، تبلیغ تصویری برای استودیو هادی در مجله‌ی سخن سال ۱۳۳۴..... ۱۴۲
- شکل (۲۷)، پوستر نمایشگاه عکس احمد عالی، سال ۱۳۴۲..... ۱۴۳
- شکل (۲۸)، نمونه عکس‌های احمد عالی در سال ۱۳۴۲..... ۱۴۴
- شکل (۲۹)، نمونه دعوت‌نامه‌ی نمایشگاه ردپای اعصار، سال ۱۳۴۴..... ۱۴۵
- شکل (۳۰)، نمونه عکس از نمایشگاه رد پای اعصار..... ۱۴۵
- شکل (۳۱)، عکس گورستان زرتشتی‌ها از بهمن جلالی..... ۱۴۶
- شکل (۳۲)، عکس خانه هدایت از بهمن جلالی..... ۱۴۶
- شکل (۳۳)، نمونه عکس روسپی از کاوه گلستان..... ۱۴۷
- شکل (۳۴)، نمونه عکس کارگر از کاوه گلستان..... ۱۴۷
- شکل (۳۵)، نمونه عکس مجنون از کاوه گلستان..... ۱۴۷
- شکل (۳۶)، روی جلد کتاب پنج نگاه به خاک..... ۱۴۸
- شکل (۳۷)، سند بخشنامه به عکاسی‌ها برای شرکت در نمایشگاه‌های خارجی..... ۱۴۹
- شکل (۳۸)، چهار نمونه از پوسترهای نمایشگاه عکس سالانه‌ها..... ۱۵۰
- شکل (۳۹)، چهار نمونه از پوسترهای نمایشگاه عکس سالانه و دوسالانه..... ۱۵۱
- شکل (۴۰)، نمونه عکس‌های خانوادگی در سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰..... ۱۷۶
- شکل (۴۱)، نمونه عکس‌های مردم در مجله‌های عامه‌پسند، ۱۳۴۵..... ۱۷۷

نشانه‌های متنی

- ، : مکث کوتاه.
- ؛ : مکث بلند.
- " " : عنوان خاص، عبارت خاص.
- « » : نقل قول مستقیم و متن نقل قول با خط ایرانیک.
- [] : افزوده‌های نگارنده به متن نقل قول.
- - : کلمه‌ها یا عبارت‌های اضافی.
- : در شروع پاراگراف با موضوعی دیگر.
- : خط وصل دو کلمه.
- { } : ارجاع درون‌متنی.
- () : کلمه، عدد یا توضیح ضروری.
- ارجاع درون‌متنی به منابع لاتین با سال میلادی (م) مشخص شده است.

مقدمه

(هدف و ضرورت)

بی‌شک عکاسی در جامعه‌ی امروز ایران، چه در هیأت رسانه‌ی قدرت‌مند اجتماعی که همسو با تغییرات فرهنگی و پیشرفت‌های ابزاری قوام می‌یابد؛ چه در قالب شاخه‌ای از هنرهای تجسمی - تصویری، یا به‌سان ابزار بیان فردی و دل‌مشغولی جدید آحاد مردم - در قالب دوربین عکاسی یا تلفن همراه دوربین‌دار - به‌شکل گسترده‌ای در سطوح مختلف کاربردی، آموزشی و هنری جامعه‌ی ایرانی نهادینه شده است. عکاسی برای احراز موقعیت کنونی خویش در جامعه، بر اساس برنامه‌ریزی مدیران اجرایی، ضرورت‌های کاربردی ناشی از تغییرات فرهنگی و پیشرفت‌های ابزاری، تمایل و ترغیب آحاد مردم به استفاده از عکاسی، در عرصه‌های متنوعی آزموده شده است.

جدا از شعار - همیشه - باز گفته‌ی راه‌یابی عکاسی به ایران، در همان آوان ابداع و پیدایش آن در غرب؛ به شکلی واقع‌بینانه‌تر، جوانب بسیاری از عکاسی دوران قاجار، به‌ویژه در سال‌های اخیر، در بوته‌ی آزمون و بررسی قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی را فراهم آورده است. روندی که کماکان ادامه دارد و هر از گاهی، مقاله، پژوهش‌نامه یا کتاب عکسی در این باره از طرف محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی یا سازمان‌های انتشاراتی دیگر، به‌طبع می‌رسد. هم‌چنین با وقوع انقلاب اسلامی و جنگ، فصل جدیدی در وجوه گوناگون عکاسی ایران گشوده می‌شود؛ جذابیت پدید آمده در پی هیجان‌ها و تغییرات ناشی از انقلاب و جنگ، نگاه پژوهشگران زیادی را به طرف عکاسی در سال‌های پس از انقلاب به خود جلب کرد. اینک پس از گذشت ۳۰ سال از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه‌های متعددی با موضوع انقلاب، جنگ و جلوه‌های عکاسی ایران در سال‌های پس از جنگ، در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنری ایران موجود است. روند پژوهش‌هایی با موضوع‌های مشابه کماکان ادامه دارد.

اما به نظر می‌رسد، بررسی و تحلیلِ عکاسی در دوران پهلوی، کمتر مورد توجه و بازنگری قرار گرفته است. این مطلب را با مقایسه‌ی تعدادِ پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های پژوهشی راجع به "عکاسی ایران" در سه دوره‌ی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی، به روشنی می‌توان دریافت. براین اساس، پژوهشی که از جهت زمانی، دربرگیرنده‌ی دو دوره‌ی متفاوتِ تاریخی - سیاسی، همچون پهلوی دوم و جمهوری اسلامی باشد، نیز به نسبت از سایر پژوهش‌ها کمیاب‌تر است.

هدف کلیِ نگارنده در این جستار، در خلال توصیف رُخ‌دادها، تفسیر ناگفته‌ها و تحلیل چشم‌اندازها و دیدگاه‌های - وکلو اندک - مطرح در این بازه‌ی زمانی، بررسی وضعیتِ عکاسی معاصر ایران یا کارکردهای فرهنگی - هنری آن از منظری مدرنیستی است. او در صدد است به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

- آیا پس از گذشت حدود ۱۰۰ سال از ورود عکاسی به ایران، از سال‌های ۱۳۳۰ به بعد، عکاسی به‌عنوان ابزار تولید فرآورده‌های فرهنگی - هنری در رسانه‌های ایران، به کار گرفته شده است؟

- آیا کارکردهای فرهنگی - هنریِ عکاسی در پنجاه سال گذشته، صرفاً در محدوده‌ی هنرهای زیبا معنا می‌یابد؟

- عکاسیِ مدرن در ایران، چگونه به تجربه‌ی فراگیری دست یافته است؟

- آیا در سال‌های مورد بررسی، عکاسی پس از مدرن در جامعه‌ی ایرانی، نهادینه می‌شود؟

- آیا اکنون پس از گذشت حدود ۱۵۰ سال از ورود عکاسی به ایران، بنیان‌های نظری

لازم جهت تحلیل و بررسی عمل‌کرد آن و آرایه‌ی نظریه‌ای دال بر پدیداری دیدگاه

منسجم عکاسانه در جریان فرهنگی - هنری کشور وجود دارد؟

علاوه‌براین پرسش‌ها، از آن‌جا که تشخیص صحیح جایگاه عکاسی معاصر ایران، به‌عنوان "هنر، رسانه یا ابزاری کاربردی"، در مقایسه با جلوه‌های دیگر هنری، رسانه‌ای یا ابزاری در کشور، همین‌طور در مقایسه با آن‌چه در جهان- غرب- رُخ می‌دهد، تنها با سنجش کارکردهای فرهنگی - هنری آن در دوره‌ی معاصر، فراهم می‌شود. ضرورت چنین پژوهشی در رویارویی و تأمل اجتناب‌ناپذیر جلوه‌های کنونی عکاسی معاصر ایران- به‌ویژه جلوه‌ی هنری آن - با جلوه‌های متغیر و فزاینده‌ی عکاسی در جهان، مصداق می‌یابد. بر این اساس، هم‌زمانی دوره‌ی مورد بررسی با سال‌های پس از جنگ دوم جهانی در غرب، می‌تواند ضرورت دیگر انجام این پژوهش تلقی شود. چرا که جامعه‌ی غرب نیز در این سال‌ها شاهد تغییرات بنیادی در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی بود. از آن جمله می‌توان به پدیداری سال‌های جنگ سرد، سال‌های پدیداری جنبش‌های دانشجویی و گسترش تفکر انقلابی، و ورود به دوره‌ی خاص فرهنگی - هنری، منتسب به دوران پس از مدرن- پسامدرن- اشاره نمود. این رُخ‌دادها با فاصله‌ی زمانی متناسب با موضوع خود، برخی سریع و برخی کند، جامعه‌ی فرهنگی و هنری ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند و می‌توانند منشأ اصلی برخی از جریان‌های مرتبط با عکاسی پنداشته شوند. از دیدگاه نگارنده، بدون تحلیل و نقدِ روش‌ها و تجربه‌های زیسته‌ی عکاسی معاصر، یعنی بدون داشتن پشتوانه‌ی نظری قابل اتکا، صرفاً با تکیه بر چند اثر خارق‌العاده و نام‌آوری تنی چند از عکاسان معاصر ایرانی در جهان، و تعارف‌هایی مبنی بر خودبسندگی عکاسی ایرانی و یافتن جایگاه مناسب در جهان، نمی‌توان به مواجهه‌ی منطقی با عکاسی مطرح- در حال تغییر- در جهان رفت و سخنی نو و شایسته پیش‌نهاد. از این منظر، ضرورت انجام پژوهشی چنین، تکلیفی است که بیش و پیش از همه، بر عهده‌ی پژوهشگران دانشگاه‌های هنری کشور نهاده شده است.

اما، دوره‌ی زمانی برگزیده از دیدگاه نگارنده چه ویژگی دارد؟ دوره معاصر برای عکاسی ایران، از نظر زمانی - حدوداً - ۵۰ سال گذشته (۱۳۳۰ تا ۱۳۸۰) را شامل می‌شود. شروع این تاریخ، با تغییرات مهم در مسیر زندگی اجتماعی، فرهنگی و هنری ایرانیان همراه است. از ملی شدن صنعت نفت و کودتا گرفته، تا تسریع روند تجدد - همراه با ورود کالاهای جدید مصرفی - و قوام یافتگی سبک‌ها و نموده‌های جدید هنرهای تجسمی، جملگی سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰ را از سال‌های قبل‌تر، متمایز می‌کند. در میانه‌ی این دوره، وقوع انقلاب اسلامی، در بسیاری از عرصه‌های مورد بحث در این جستار، شکاف عمیقی را پدید آورد، به گونه‌ای که عموماً بحث راجع به هر جریان معاصر - به ویژه جریان هنری - را به سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم کرد. به رغم وجود این شکاف عمیق، نگارنده ضمن حفظ ارزش و اعتبار این تغییر عظیم، تلاش خواهد کرد وجود انقلاب اسلامی را در میانه‌ی این دوره به طریقی منطقی تحلیل کند که ارتباط و پیوند وقایع قبل از انقلاب، با بعد آن به مثابه‌ی بخش‌هایی از تاریخ معاصر عکاسی ایران، نگریسته و حفظ شود. این موضوع از آن جهت ضرورت دارد که - لاقلاً در باره‌ی عکاسی - دوره‌ی معاصر را نمی‌توان به سال‌های پس از انقلاب محدود کرد. بسیاری از وقایع ریشه در گذشته دارد و بدون بررسی پیشینه‌ها، این پژوهش ناقص می‌نماید. در عین حال، این پژوهش مرز زمانی خود را به سال ۱۳۸۰ محدود می‌کند. چون نگارنده می‌اندیشد که رُخ داده‌های بسیار فشرده‌ی پس از سال‌های ۱۳۸۰، متأثر از ارتباط‌های گسترده‌ی جهانی، از سرعت تغییر بسیار بالایی برخوردارند، و هر پژوهشگر ایرانی در حال حاضر - در سال ۱۳۸۸ - خود در درون این گُتش بسیار فعال قرار دارد. در نتیجه نمی‌تواند مادامی که مکثی در تغییرات پدید نیامده و زمان کافی برای کسب فاصله‌ی لازم از این دوره، فراهم نشده است، پژوهشی چند جانبه و فراگیر را صورت دهد. در عین حال نگارنده اذعان دارد، سال‌های دهه‌ی ۱۳۸۰ - هر چند هنوز به اتمام نرسیده است - مملو از تغییرات و تحولات هنری است که هر یک از آن‌ها، از توانی بالقوه برای تبدیل به موضوع پژوهشی دیگر برخوردار است.

دیدگاه نگارنده در خلال بررسی یافته‌های متن، عمدتاً بنیانی مدرنیستی دارد. او سعی می‌کند- به‌ویژه در فصل پنجم- با تمسک به آرای برخی از صاحب‌نظران مشهور غربی در حوزه‌ی عکاسی مدرنیستی، تحقق و هم‌سویی نهادهایی چون: نمایشگاه عکس، نقد مطبوعاتی، عکاسان هنرمند و دولت را به‌سان مؤلفه‌های ضروری برای پدیداری عکاسی به‌مثابه‌ی هنر مدرن در جامعه‌ی ایرانی، مورد پژوهش قرار دهد. به‌رغم وجود برخی عوامل فعال، تجمیع آموزه‌های عکاسی مدرنیستی در سال‌های دهه‌های ۳۰ و ۴۰ محقق نمی‌شود. از دید نگارنده، در سال‌های میانی دهه‌ی ۵۰، گونه‌ای از عکاسی مدرنیستی با هویت ایرانی شکل می‌گیرد و چنان‌که در فرایند پژوهش روشن می‌شود تا سال‌های پایانی دوره‌ی مورد بررسی، به‌شکلی منفعلانه و غیر هدف‌مند تداوم می‌یابد.

افزون بر نگاه مدرنیستی، نگارنده در فصل آخر- عکاسی و مردم، بنا بر ضرورت موضوع، برای توجیه و ارج‌نهی به نقش مردم به‌مثابه‌ی فاعل فنی- عکاس، از برخی آموزه‌های هنر پس‌از مدرن نیز سود می‌جوید.

نگارنده امیدوار است پژوهش این دوره‌ی خاص و یافته‌های مطرح در آن، بتواند پایه‌ی مستحکمی را برای ساختارمند نمودن مبانی نظری عکاسی معاصر در ایران فراهم آورد.

مداخل